

دشواری‌های قبر و قیامت در دعای ابوحمزه ثمالی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد علی محمدی*

حجت‌الاسلام والمسلمین سجاد سلیمانی‌راد**

مقدمه

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت و مهمانی الهی است و سفره ضیافت الهی فراروی ما گسترده شده است. مسئله مهم، توجه به محتوای این سفره الهی است. امام زین العابدین علیه السلام در شب‌های ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می‌پرداخت و هنگام سحر دعای ابوحمزه را می‌خواند. به پیروی از امام سجاد علیه السلام مؤمنان خداجو نیز در دل شب با این مناجات و دعا با خدا سخن می‌گویند. از آنجاکه دعای یادشده را جناب ابوحمزه از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است، به نام دعای ابی حمزه ثمالی مشهور شده است.^۱ این دعا در بردارنده مفاهیمی مانند توحید، پیامبرشناسی، آخرت‌شناسی، دشواری‌های قبر و قیامت، سنگینی بار گناهان و لزوم اطاعت و پیروی از معصومان است.

از مهم‌ترین فرازهای این دعا، ترسیم دقیق دشواری‌ها و سختی‌های قبر و قیامت است. توجه به این مسیر پریچ‌وخم و خطرناک که همه ما روزی باید آن را طی کنیم، بسیار سودمند و

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

۱. ابوحمزه ثمالی که نامش «ثابت بن دینار» است، از یاران مورداعتماد امامان بزرگوار بوده است. بنا بر نقل عالم معروف علم رجال «نجاشی»، وی به محضر چهار تن از ائمه، از امام سجاد تا امام کاظم علیهم السلام رسیده و از آنان روایت کرده است؛ همچنین از بهترین راویان شیعه و مورد اعتماد کامل علمای امامیه است. امام صادق علیه السلام درباره وی فرمود: «ابوحمزه، در عصر خویش مانند سلمان است» (معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۹۲). دعای ابوحمزه ثمالی را شیخ طوسی در مصباح‌المتهدد، سید بن طاووس در اقبال، علامه مجلسی نیز در ج نودوپنجم بحار الانوار، و شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان نقل کرده‌اند.

درس آموز است؛ بر این اساس در این نوشتار سختی‌های یادشده را مرور و غیرمستقیم راهکارهای مواجهه با مشکلات را ارائه می‌کنیم.

۱. فرارسیدن اجل

یکی از مراحل دشوار برای همه ما، «فرارسیدن اجل است». انسان‌ها دو اجل دارند: اجل مسمی و حتمی که در «ام‌الکتاب» ثبت شده و به هیچ‌وجه تغییر نمی‌یابد؛ دیگری اجل غیرمسمی است که در «لوح محو و اثبات» نوشته شده و تغییر یافتنی است.^۱ از آنجاکه هیچ‌کدام از ما زمان و مکان فرارسیدن اجل حتمی خودمان را نمی‌دانیم، یکی از مهم‌ترین وظایف ما توبه واقعی قبل از فرارسیدن عمل است.

امام ساجدان در این باره با خداوند این‌گونه مناجات می‌کند: «إِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي؟؛ اگر احسان تو را روز بیچارگی ام نداشته باشم، گریز از گناهان به سوی کیست، وقتی که عمرم سرآید؟».

مهلت‌ندادن حضرت عزرائیل

حضرت عیسی علیه السلام با مادرش مریم در کوهی به عبادت خدا مشغول بودند، روزها را روزه می‌گرفتند و غذایشان از گیاهان کوهی بود. روزی حضرت عیسی علیه السلام برای به‌دست‌آوردن سبزیجات کوهی رفت، هنگام افطار عزرائیل نزد مریم آمد، پس از سلام خودش را معرفی کرد و گفت برای قبض روح او آمده است. مریم مهلتی خواست؛ عزرائیل نپذیرفت و روح حضرت مریم را قبض نمود.

عیسی علیه السلام وقتی نزد مادر آمد، ابتدا تصور کرد مادرش خوابیده است، ولی هر چه او را صدا زد، جواب نشنید و دریافت از دنیا رفته است. عیسی علیه السلام مادرش را دفن کرد و بر سر تربتش نشست و گریه می‌کرد. در این هنگام ندایی شنید، سرش را بلند کرد، مادرش را در بهشت (برزخی) دید و با او سخن گفت؛ از جمله پرسید: ای مادر، آیا هیچ آرزویی داری؟ حضرت مریم گفت: آرزو دارم یک بار دیگر به دنیا بازگردم، تا یک روز روزه بگیرم و یک شب را به نماز به سر آورم؛ ای پسر، اکنون که در دنیا هستی و مرگ به سراغت نیامده است، هر چه می‌توانی توشه راه آخرت را از دنیا برگیر.^۲

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۸ - ۱۰.

۲. محمد علوی، مناهج الشارعیین، ص ۵۹۱.

همه ما در این شب‌ها وظیفه داریم، همگام با امام معصوم و هم‌زبان با سیدالساجدین از خدا بخواهیم که اگر اجل ما نزدیک شده است، ما را مورد عفو و بخشش خود قرار دهد: «إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يَقْرَبْنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَائِلَ عَلَيَّ؛ خدایا اگر مرگم فرارسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده، پس اقرار به گناهم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی ام قرار دادم».

باز هم نیمه شب گریه و آه آوردم
به در خانه تو باز پناه آوردم
جان زهرا کمکم کن، آبرویم را بخر
به در خانه تو باز پناه آوردم

۲. احتضار تا جان دادن

احتضار از نظر لغوی به معنای غایب‌نبودن^۱ و در اصطلاح، به معنای جان‌کندن^۲ و حضور اسباب و مقدمات مرگ است.^۳ انسان در این مرحله دچار سختی‌های فراوانی می‌شود که به آن «سکرات مرگ» گفته می‌شود. سکرات مرگ حالتی شبیه به مستی است که بر اثر فرارسیدن مقدمات مرگ، به صورت هیجان و انقلاب فوق‌العاده‌ای به انسان دست می‌دهد، گاه بر عقل او چیره می‌گردد و او را در اضطراب و نا آرامی شدیدی فرو می‌برد.^۴

علی علیه السلام می‌فرماید: سکرات مرگ، توأم با حسرت از دست‌دادن آنچه داشتند بر آنها هجوم می‌آورد، اعضای بدنشان سست می‌گردد و رنگ از صورت‌هایشان می‌پرد؛ کم‌کم مرگ در آنها نفوذ کرده، میان آنها و زبان‌شان جدایی می‌افکند، درحالی‌که او در میان خانواده خویش است، با چشمش می‌بیند و با گوشش می‌شنود و عقل و هوشش سالم است؛ اما نمی‌تواند سخن بگوید. در این می‌اندیشد که عمرش را در چه راه فانی کرده؟ و...^۵

گنهکاران هنگام احتضار سخنان مختلفی دارند؛ برخی اظهار ندامت و تقاضای بازگشت به دنیا می‌کنند: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا

۱. محمد فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۱، ص ۵۳۴.

۲. محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۴، ص ۵؛ عبدالرحمن سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۴۶۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۷؛ محمدجواد مغنیه، الکاشف، ج ۷، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۵۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۷.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۴.

نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ؛^۱ ولی هیچ‌یک از این سخنان پذیرفته نخواهد شد؛ چراکه وقت آن گذشته و بی‌اثر است.^۲

چرا بی‌مقدمه؟

هنگامی که عمر انسان به پایان می‌رسد و در بستر مرگ قرار می‌گیرد، ملک‌الموت برای قبض روح او حضور پیدا می‌کند. انسان وحشت‌زده، آمدن او را بدون مقدمه می‌داند؛ ولی عزرائیل می‌گوید: ای بنده خدا، (چرا به فکر نبودی و فراموش کردی)؟ چه اندازه رسول بعد از رسول و خبر بعد از خبر و پیک بعد از پیک برای تو فرستادم؟ من آخرین خبرم و بعد از آمدن من دیگر خبری نیست. سپس می‌گوید: ای بنده خدا، دعوت پروردگارت را خواه از روی میل و رضا و خواه از روی جبر و اکراه اجابت کن. وقتی ملک‌الموت صدای گریه اطرافیان را می‌شنود، می‌گوید: برای چه کسی گریه می‌کنید، محزونید و بی‌صبری می‌کنید؟ به خدا سوگند، عمر او به پایان رسیده و در دنیا روزی خود را دریافت کرده بود. پروردگارش از او دعوت به عمل آورد و او هم دعوت حق را اجابت کرد. اگر می‌خواهید گریه کنید، بر خویشان بگریید؛ زیرا من باز به این خانه می‌آیم تا هیچ‌یک از شما را باقی نگذارم.^۳

امام سجاده علیه السلام با یادآوری لحظات جان‌دادن، به درگاه خدا گریه می‌کند و ناله سر می‌دهد: «وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ مَصِيرِي، وَأَرَىٰ نَفْسِي تُخَادِعُنِي، وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةَ الْمَوْتِ؟ فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟ أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي؛ مَا چَهِ شَدَه كَه گَرِيَه نَكْنَم وَ حَال آنكه نمى‌دانم بازگشت من به سوى چه خواهد بود؟ من نفسم را مى‌نگرم كه با من نيرنگ مى‌بازد و روزگار را مشاهده مى‌كنم كه مرا مى‌فريبد و حال آنكه بال‌هاى مرگ بالايى سرم به حركت درآمده، پس مرا چه شده كه گريه نكنم، گريه مى‌كنم براى بيرون رفتن جان از بدنم».

۳. هنگام غسل

غسل میت از واجبات کفایی است. در روایات غسل دادن میت سبب دوری حرارت آتش از

۱. سجده: ۱۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۹۷؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۵۰.

۳. عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۵.

غسل دهنده و همراه شدن نوری با او برای ورود به بهشت دانسته شده است.^۱ این مرحله برای میت نیز با دشواری‌های فراوانی همراه است. بر اساس روایات معصومان علیهم‌السلام، مستحب است هنگام غسل دادن میت، با مهربانی با او رفتار شود.^۲ در روایتی به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «سخت‌ترین حالت‌ها برای میت، وقتی است که غسل برای غسل دادن میت داخل خانه او شود؛ انگشتر جوانی را از دست و پیراهن را از بدنش بیرون آورد. در این هنگام وقتی روح، بدن را عریان بیند، فریاد زند و با صدای بلند گوید: ای غسل، تو را به خدا قسم که لباس مرا به آرامی بیرون آور؛ زیرا در این ساعت تازه از دست ملک‌الموت راحت شدم. وقتی آب روی میت می‌ریزد، فریاد می‌زند و می‌گوید: ای غسل، تو را به خدا قسم آب را به آرامی روی من بریز، آن را ملایم کن که نه سرد باشد و نه گرم؛ زیرا جسد من بر اثر خارج شدن روح از آن، آتش گرفته و طاقت ندارد. وقتی غسل مشغول غسل دادن شود، فریادش بلند گردد: ای غسل، تو را به خدا قسم دست خود را به آرامی بر روی من بکش؛ این جسد به واسطه خارج شدن روح از آن، مجروح شده و تحمل ندارد که دست خود را با قوت بر آن بکشی».^۳

امام سجاده علیه‌السلام با تذکر این لحظات، با خدای خود این‌گونه راز و نیاز می‌کند: «وَأُزْحَمِنِي صَرِيحاً عَلَى الْفَرَاشِ تَقْلُبْنِي أَيْدِي أَحَبَّتِي، وَتَفَضَّلَ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يَقْلُبْنِي صَالِحٌ حَبِيرَتِي؛ به من در حال افتادن در بستر مرگ که دست‌های دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم کن و به من محبت فرما در آن حال که روی تخت غسل‌خانه به صورت درازا افتاده‌ام و همسایگان شایسته مرا به این سو و آن سو برمی‌گردانند».

۴. هنگام تشییع جنازه

تشییع جنازه در اصطلاح فقهی به معنای مشایعت و رفتن دنبال جنازه میت تا زمان گذاشتن میت در قبر است.^۴ برای تشییع جنازه فضیلت و ثواب زیادی در روایات بیان شده است و یکی از مهم‌ترین حکمت‌های آن، درس‌آموزی و آماده‌شدن برای این سفر پرخطر است. عجلان بن ابوصالح گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: «ای ابوصالح، هنگامی که جنازه‌ای را برمی‌داری، فکر کن

۱. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۴۰.

۲. ر.ک به: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ رَفْقِ الْغَائِصِلِ بِالْمَيِّتِ وَ كِرَاهَةِ الْعُنْفِ بِهِ.

۳. محمد نبی تویسرکانی، لنالی الاخبار، ج ۵، ص ۱۵.

۴. علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۴۶.

که جنازه خودت می باشد و از خدا درخواست کرده ای تا برگردی و کار (خوب و مفید) انجام دهی؛ پس دقت کن که چه کاری را باید شروع کنی»^۱.

سید ساجدان با یادکرد این مرحله، این گونه نجوا می کرد: «وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلْ الْأَقْرِبَاءَ أَطْرَافَ جِنَازَتِي، وَجُدْ عَلَيَّ مَنُفُولًا قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي؛ وَبِهِ مِنْ مَهْرُورِزِي كُنْ فِي وَقْتِ حَمَلِ شَدْنِمِ كَمَا بَسْتِغَانِمِ غُوشَهَائِي جِنَازَهَامَ رَا بِه دُوشَ بَرْدَاشْتَهَانِدْ وَدَر حَالَتِ حَمَلِ شَدْنِمِ كَمَا تَنَهَا دَر قَبْرِمِ وَارِدِ پِيشْگَاهِ تُو شَدَهَامَ، بِه مِنْ نِيكِي وَبَخْشْشِ كُنْ».

۵. ورود در قبر

این مرحله نیز از سخت ترین و دردناک ترین مراحل برای میت است. شیخ صدوق می نویسد: وقتی میت را به نزدیک قبر آورند، نباید یک باره و ناگهانی در گور گذاشته شود؛ زیرا قبر را ترس های عظیم است. آنان که میت را در قبر می گذارند، باید جنازه را بر زمین بگذارند و اندکی صبر کنند تا میت کمی به قبر خو کند و انس بگیرد و آن را پذیرا شود و بعد اندکی او را پیش می برند و مدتی صبر می کنند تا خود را آماده کند، باز مقداری به سوی قبر او را پیش می برند و بعد هر کس که ولی میت خواست انتخاب کند، یک یا دو نفر جنازه را گرفته و در قبر می گذارند.^۲ اینها همه نشان دهنده سختی زمانی است که آدمی وارد قبر می شود.

امام سجاد علیه السلام با یادکرد این لحظات هولناک، با سوز و گداز و گریه با خداوند این گونه نجوا می کند: «وَجُدْ عَلَيَّ مَنُفُولًا قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ؛ دَر حَالَتِ حَمَلِ شَدْنِمِ كَمَا تَنَهَا دَر قَبْرِمِ وَارِدِ پِيشْگَاهِ تُو شَدَهَامَ، بِه مِنْ نِيكِي وَبَخْشْشِ كُنْ وَدَر اَيْنِ خَانَه جَدِيدِ بَر غَرَبْتِمِ رَحْمَتِ آوَرِ تَا آنْكَه بِه غَيْرِ تُو اِنْسِ نَغِيرِم».

۶. وحشت قبر

یکی از مشهورترین نام های قبر، خانه وحشت است. بر اساس روایت امام صادق علیه السلام، قبر هر روز این گونه ندا می دهد: «أَنَا بَيْتُ الْغُرْبَةِ أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ؛^۳ مِنْ خَانَه غَرَبْتِ هَسْتِم. مِنْ خَانَه وَحْشْتِ هَسْتِم».

علی علیه السلام هنگام مراجعت از جنگ صفین وقتی نزدیک کوفه کنار قبرستانی رسید که بیرون

۱. حسین اهوازی، کتاب الزهد، ص ۷۷.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۲.

دروازه قرار داشت، رو به سوی قبرها کرد و چنین فرمود: «ای ساکنان خانه‌های وحشتناک و مکان‌های خالی و قبرهای تاریک، ای خاک‌نشینان، ای غریبان، ای تنهاییان، ای وحشت‌زدگان، شما در این راه بر ما پیشی گرفتید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد».^۱

امام سجاد علیه السلام از هراس و وحشت قبر نیز به خدا پناه می‌برد و در دعای ابو حمزه می‌فرماید: «أَرْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرَّتِي، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرَّتِي، وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي؛ خدایا در این دنیا به غربت و به گاه مرگ به سختی جان‌دادم و در قبر به تنهایی ام و در لحد به هراسم رحم کن».

۷. تاریکی قبر

میت در قبر متوجه تاریکی هراسناکی می‌شود که هیچ‌گاه در تصور کسی نمی‌گنجد. در روایات معصومان برای برطرف شدن تاریکی فوق‌العاده دستورالعمل‌هایی وارد شده است؛ از جمله در روایتی به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «صَلَاةُ اللَّيْلِ سِرَاجٌ لِصَاحِبِهَا فِي ظُلْمَةِ الْقَبْرِ»^۲ نماز شب در تاریکی قبر برای صاحبش چراغ است».

امام سجاد علیه السلام با اشاره به این مرحله، این‌گونه مویه می‌کند: «أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي؛ برای تاریکی قبرم گریه می‌کنم، برای تنگی لحدم گریه می‌کنم».

۸. پرسش در قبر

از جمله رخدادهای مهم و حتمی عالم برزخ، سؤال دو فرشته، یعنی نکیر و منکر است. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سه چیز را انکار کند، از شیعیان ما نیست: معراج، سؤال قبر و شفاعت».^۳

نمونه‌ای از پرسش و عذاب قبر

امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی از اخبار (علمای یهود) از دنیا رفت؛ در عالم قبر (فرشتگان) او را نشانند، چند فرشته به او گفتند: می‌خواهیم صد تازیانه به تو بزنیم. او جواب داد: طاقت ندارم. گفتند: ۹۹ تازیانه به تو بزنیم، او باز جواب داد طاقت ندارم. به همین ترتیب (چون آدم خوبی

۱. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۵۳۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۹۶.

۲. حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۳.

بود) یک‌یک کم کردند تا اینکه گفتند: یک تازیانه را باید بخوری. او گفت: چرا، مگر چه کرده‌ام؟ به او گفتند: زیرا تو یک روز بدون وضو نماز خواندی و بر شخص مظلومی می‌گذشتی، او را یاری نکردی؛ برای این دو خصلت، باید تازیانه بخوری. به او یک تازیانه زدند، بر اثر آن، قبرش پر از آتش گردید.^۱

این مرحله از مهم‌ترین و هول‌انگیزترین مراحل در قبر است. مؤمنان راستین باید خود را برای این مرحله آماده کنند و هماهنگ با دعای ابوحمزه به درگاه خداوند این‌گونه استغاثه نمایند: «أَبْكَى لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ؛ برای سؤال منکر و منکر از من گریه می‌کنم».

۹. خروج از قبر

مؤمنان پرهیزکار در مدتی که در عالم برزخ هستند، از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند و گنهکاران در عذاب برزخی گرفتارند و این وضعیت تا برپایی قیامت ادامه دارد. با نفخ اولیه صور، همه افراد زنده روی زمین می‌میرند، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و همگان زنده شده و بر می‌خیزند.^۲

حضرت علی علیه السلام حضور مردم در صحنه محشر را چنین توصیف می‌کند: «روز قیامت خداوند مردم را از گورهایشان برمی‌انگیزد، و درحالی‌که برهنه هستند، در بیابانی هموار گرد می‌آورد. از شدت شلوغی و ازدحام جمعیت از راه رفتن باز می‌مانند و به سختی نفس می‌کشند. سرپای آنان را عرق فرا می‌گیرد و ناله آنها بلند می‌شود و این اولین مرحله از سختی‌های روز قیامت است».^۳

امام سجاده علیه السلام با یادآوری این لحظات به ما می‌آموزد که این‌گونه مویه کنیم و از خدا بخواهیم به ما کمک کند: «أَبْكَى لِحُزُوجِي مِنْ قَبْرِ عَزِيَانَا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقْلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَاتِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي، لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ تَرَهَقُهَا قَتْرَةٌ»؛^۴ و ذَلَّةٌ؛ گریه می‌کنم برای در آمدنم از قبر عریان و خوار، درحالی‌که بار سنگینی را بر دوش می‌کشم، یک بار از طرف

۱. همان، ج ۶، ص ۲۲۱.

۲. ر.ک به: زمر: ۶۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۴.

۴. عبس: ۳۷ - ۴۱.

راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می‌کنم، به دلیل اینکه مردمان در کاری جز کار من‌اند، "در آن روز هرکس از آنان را گرفتاری و کاری است که برای او [از اینکه نتواند به کار دیگر پردازد] بس است؛ در آن روز چهره‌هایی درخشان و نورانی است؛ خندان و خوش حال و چهره‌هایی در آن روز غبار [تیره‌بختی] بر آن‌ها نشسته؛ سیاهی و ذلت آنها را پوشانده است».

۱۰. ورود به بهشت یا جهنم

آخرین و مهم‌ترین مرحله زندگی همه انسان‌ها، ورود به عرصه قیامت و حسابرسی دقیق اعمال آنهاست. قیامت دارای پنجاه موقف است و هر موقف به اندازه هزار سال طول می‌کشد.^۱ نتیجه دادگاه الهی، بهشت جاودان برای مؤمنان نیکوکاری است که در این دنیا برای خودشان توشه کافی فراهم کرده و پاکیزه از این دنیا کوچ کرده‌اند؛ از این رو امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه با خدای متعال این‌گونه راز و نیاز می‌کند: «وَأَجْزِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ زَوْجِي مِنَ الْخَوْرِ الْعَيْنِ بِفَضْلِكَ؛ به گذشتت از آتش امانم ده و به رحمتت به بهشت واردم کن و به احسانت از حورالعین به همسری ام در آور».

۱۱. همراهی با پیامبر و معصومان

بهترین، عالی‌ترین و والاترین مرحله‌ای که یک مؤمن می‌تواند به آن برسد، ملحق شدن به پیامبر و دیگر معصومان است؛ از این رو امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه این نتیجه عالی را از خداوند طلب می‌کند: «وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ؛ و مرا به دوستان شایسته‌ات محمد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن».

مهم‌ترین نجات‌دهنده ما از احوال روز قیامت، پیروی از معصومان و عشق و محبت حقیقی در برابر آنهاست. این عشق و محبت در قالب اشک بر آنها نمود می‌یابد و نتیجه آن بهشت برین است. امام صادق علیه السلام فرمود: «و هر که نزد او یاد (امام) حسین علیه السلام شده و از چشم او به اندازه بال مگسی اشک جاری شود، ثواب او بر خدای عزوجل خواهد بود و خداوند کمتر از بهشت را برای او نمی‌پسندد».^۲ امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نقطه‌ای نزدیک خیمه‌ها را مقرر خود قرار داده بود و هر بار پس از دور کردن دشمن به آنجا بر می‌گشت و با صدای بلند ذکر «لا حول ولا قوة الا بالله» را می‌گفت. مدتی صدای امام را نشنیدند و به جای آن شیهه مرکب امام علیه السلام به گوش

۱. عبدعلی عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱۳.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۰۷.

رسید، دختران پیامبر از خیمه‌ها بیرون دویدند. می‌دانید چه دیدند؟ در زیارت ناحیه مقدسه این مطلب به خوبی تصویر شده است: «و شِمْرٌ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ مُوَلِّغٌ سَيْفَهُ فِي نَحْرِكَ قَابِضٌ شَيْبَتَكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمَهْنَدِهِ...»^۱ شمر بر سینه تو نشسته و شمشیر بر گلوئی تو نهاده، محاسن تو را در دست گرفته بود و با تیغ گلوئی تو را می‌برد...».

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، قم: جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ج ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، بیروت: دار السرور، ۱۴۱۸ ق.
۴. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم: سیدابوالفضل حسینیان، ۱۴۰۲ ق.
۵. تویسرکانی، محمدنبی بن احمد، لئالی الأخبار، قم: العلامة، ۱۴۱۳ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۷. خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۸. دیلمی، حسن، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ سوم، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۳ ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، افسست، تهران: ناصر خسرو، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. عروسی حویزی، عبدعلی، تفسیر نور الثقلین، چ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۴۰ - ۲۴۱.

۱۴. علوی عاملی، محمد عبدالحسیب بن احمد، مناہج الشارعیین؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۵. فیروزآبادی، مجدالدین محمد، القاموس المحیط، به کوشش: محمد المرعشلی، چ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۱ ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه و معظم عناوینہ الموضوعیہ، قم: نشر الہادی، ۱۳۷۹ ش.
۱۹. مغنیة، محمدجواد، التفسیر الکاشف، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۱ م.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].